

نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد^۱

کریم مهری^۱

چکیده

هدف: مقاله حاضر به دنبال تدوین نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد بر اساس بیانات مقام معظم رهبری بوده است. **روش:** پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده و از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد ثانویه برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. مهم‌ترین پرسشهای تحقیق حاضر این بود که: چه مدل نظری‌ای تحول معرفتی را از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین می‌کند؟ چه تغییراتی در علوم انسانی در ایران باید رخ دهد که تحول معرفتی صورت گیرد؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ **یافته‌ها:** یافته‌ها شامل چندین مقوله عمده بدین شرح است: متعین‌های تبیین اسلام راستین، اسلام برنامه جامع سعادت انسان، فقه برنامه زندگی، به عنوان شرایط علی درونی؛ اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین و معادلات جهانی قابل تغییر به عنوان شرایط علی بیرونی؛ تبیین فهم عمیق و اجتهاد، تعریف و تبیین صحیح فقه به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ فعال شدن فقاهت و اجتهاد؛ اجتهاد پویا، احتیاج به نوآوری و تولید علم، به عنوان بستر فهم عمیق دین، تولید فکر دینی رسالت حوزه‌های علمیه، لزوم تبیین مبانی دین و انقلاب و مدل حکومتی اسلام توسط حوزه، پاسخ حوزه به سؤالات و شبهات روز به عنوان راهبرد کنشی و احیای قدرت دین و توجه به معنویت؛ ثمره حرکت به سمت معارف اسلام، تلفیق علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی به عنوان پیامدهای تحول معرفتی و مقوله هسته‌ای این بررسی، تحول معرفتی است. **نتیجه‌گیری:** الگوی بومی مدل نظری ارائه‌شده برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری، به خوبی تحول معرفتی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: تحول معرفتی، علوم انسانی، اجتهاد پویا، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تفسیری - برساختی.

۱. دریافت مقاله: 98/02/10؛ تصویب نهایی: 98/06/12.

1. دکتری جامعه‌شناسی، استادیار جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه/ نشانی: آذربایجان غربی؛ ارومیه، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی / نمابر: 04433369716 / Email: kmehrik@yahoo.com

الف) مقدمه

تحول به معنای تغییر و تبدیل شیء یا شخص از حالتی و صفتی به حالت و صفت دیگر است. تحول در علوم انسانی به معنای تبدیل مبانی و بنیادها، روشها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها و مکاتب و متون علمی در مسیر تکامل روشمند و اسلامی و بومی‌سازی علوم انسانی است؛ تغییری که حاکمیت علمی پیدا کند. با این بیان معلوم می‌شود که در تحول علوم انسانی، رویکرد ترمیمی، تهذیبی و پیرایشی، نقلی‌سازی و بومی‌سازی فرهنگی و کاربردی محض منظور نبوده؛ بلکه مقصود از تحول در علوم انسانی، فرایندی است که در آن، نظریه‌های علوم انسانی، روشمندانه و مبتنی بر مبانی و منابع اسلامی (عقل و تجربه و نقل دینی) در راستای مقاصد شریعت و نیازهای جامعه اسلامی تولید شوند؛ این تحول از دیدگاه متخصصان دانشگاهی ضروری شناخته شده است. دکتر سید جواد طباطبایی معتقد است: «آن مقولات و مفاهیمی که علوم انسانی جدید به کار می‌گیرد در جایی و با توجه به موادی درست شده است که آن مواد ما نیست» (طباطبایی: 1398: 68). او بر آن است که دانشگاه‌های کشور نیازمند تحول‌اند: «طبیعی است که تحول علم در کشور ما از نوع فرانسه نیست، مثل انگلیس هم نیست. از برخی جهات از نوع آلمان است. ما در شرایطی بحرانی دانشگاه ایجاد کردیم و ما نمی‌توانیم در مورد این دانشگاه بحث فلسفی نکنیم. فارابی اینجا به کمک ما می‌آمد. فارابی مؤسس است؛ یعنی بنیان جدیدی را می‌گذارد و البته این تأسیس جدید بر مبنای یک تأسیس قدیم یونانی امکان‌پذیر شده است».

به نظر می‌رسد طباطبایی خود در دایره همین مقولات و مفاهیم عمدتاً تکوین یافته در نظام مفهومی آلمانی می‌اندیشد که در آن تاریخ‌مندی¹ مهم‌ترین ویژگی اندیشه هگل و هایدگر است و از دستاوردهای اندیشه غرب به حساب می‌آید. با آنکه خود بر ناتوانی آن مقولات در تبیین مسائل ایران اشاره می‌کند، اما دستگاه مفهومی و منظمی مبتنی بر ساختار فرهنگی ارائه نمی‌کند. بر اساس تاریخ‌گرایی آلمانی هگل و هایدگر که بعدها در تمام اروپا نشر یافت، تفکر و کنش آدمی محصول شرایط تاریخی و محصور به افقهای دوران تاریخی‌ای است که انسان در آن می‌زید. در تاریخ‌گرایی، هیچ حقیقت فراتاریخی وجود ندارد و تاریخ به منزله اسارت آدمی در محدوده‌های تاریخی، یقینی‌ترین امر تلقی شده؛ حتی معنا نیز در دل تاریخ‌مندی تأویل می‌شود. از وجوه چنین نگرشی، نظریه پارادایمی بودن معنا در نزد کوهن و نظریات متأخر در باب گفتمان‌اند که همچنان معنا و اندیشه را در ساختاری تاریخی، فرهنگی یا منطقه‌ای محصور می‌کند. کربن در نقد اندیشه غرب می‌نویسد: نباید معنا را بر مبنای تاریخ‌مندی هگلی یا هایدگری تبیین کرد. این امر موجب می‌شود خود پدیده نادیده انگاشته شده، فقط ساختارهای اجتماعی حول آن شناخته شود. کربن بر همین اساس به نقد دیوانگی یا جنون در نزد فوکو می‌پردازد (مهربانی، 1391: 332). غلبه نگرش

1. Historicism

27 نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

تاریخمندی بر اندیشمندی چون عبدالکریم سروش، موجب شد تجربه نبوی در دل تاریخمندی، در نهایت سر از آستین نظریه‌ای درآورد که طبق آن، وحی الهی تا سر حد یک تجربه شاعرانه برای شخص پیامبر در سال بعثت تنزل یابد. به نظر کرین، اندیشه جدید غرب همواره سعی دارد واقعیت را به مثابه امری تاریخی در نظر آورد و هر آنچه تاریخی نداشته باشد، به مثابه امر تهی از معنی به شمار می‌آید (همان: 335). کرین بر آن است که باید به احیای علوم انسانی فراتاریخمند برای نجات تمام بشریت از سلطه علم تاریخمندی بر اساس منابع تشیع پرداخت. فراتاریخیت از آن رو اهمیت دارد که حوادثی در خارج از تاریخ جهانی رخ داده و پیوسته رخ می‌دهند که بر سرنوشت بشریت اثرگذارند. حوادث در ملکوت با درون انسان ارتباط دارند. تاریخ درونی انسان در تار و پود وقایع خارجی عینیت پیدا می‌کند. از نظر او، یکی از مهم‌ترین حادثه‌ها، «الست بریکم» است (همان: 242). کرین تنها اندیشمند غربی نیست که تحول در نظام معرفتی در جهان را مبتنی بر اندیشه تشیع پیشنهاد می‌کند؛ مقام معظم رهبری بارها بر تحول در علوم انسانی به زبانی دیگر تأکید فرموده‌اند: «ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عربی و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. (در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، 1382: 139-137)

برخی از نویسندگان و محققان در مراکز مختلف مربوط به مطالعه اندیشه‌های مقام معظم رهبری به این مسائل پرداخته‌اند، اما مطالعه آنان اغلب سطحی و محدود به دسته‌بندی بیانات رهبری بوده و هیچ‌کدام در قامت یک مدل نظری - تحلیلی ظهور نیافته است؛ به خصوص که هیچ‌کدام به ارائه مدل نظری (تحلیلی)¹ بر اساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نپرداخته‌اند. در این مقاله منظور از مدل نظری (تحلیلی) مجموعه مقوله‌های پرورده است که به صورت منظم با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا چارچوب مدلی را شکل دهند که پدیده فرایندی تحول معرفتی را توضیح دهد. جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند تحول معرفتی به دست چه کس و چه چیز و در چه وقت، در کجا، چرا، چگونه و با چه پیامدهایی رخ داده است.

لذا مسئله اساسی این مطالعه، ارائه مدل نظری (تحلیلی) تحول معرفتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری است. در این راستا با استفاد از رویکرد برساختی و تفسیری و روشناسی نظریه داده‌بنیاد، به بررسی نظریه تحول معرفتی پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر این است که: کدام مدل نظری، تحول معرفتی را تبیین می‌کند. به بیان دیگر؛ این مقاله مشخص خواهد کرد که تحول معرفتی از دیدگاه مقام

معظم رهبری، در چه زمینه‌ای، توسط چه کسانی، در چه زمانی، با چه شدتی و به چه دلیلی به وقوع می‌پیوندد؟ راهبردهای کنشی آن چیست و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود. محقق در این مقاله سعی کرده است از این رهگذر به نتایج و پیشنهادهایی دست یابد که مدل نظری تحول معرفتی را از دیدگاه مقام معظم رهبری، به عنوان مورد پژوهشی در محافل و مجامع علمی مطرح سازد و دستاوردهای آن در سطحی باشد که به منظور آموزش نظریه تحول معرفتی در مجامع علمی و آکادمیک قابل استناد باشد.

ب) هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، درک معنای تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. اهداف خاص تر تحقیق نیز عبارتند از:

- کدام جنبه از علوم انسانی باید تغییر کند تا باعث تحول معرفتی شود؟
- مجاری و منابع این تغییرات از نظر مقام معظم رهبری کدامند؟
- پیامدهای این تغییرات از دیدگاه رهبر انقلاب چیست؟
- ارائه مدل پارادایمیک، شامل پنج بعد شرایط، زمینه، عوامل مداخله‌گر، تعامل و پیامد، بر اساس نظریه داده‌بنیاد.

ج) چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، بر خلاف پژوهشهای کمی که مبتنی بر چارچوب نظری برای نظریه‌آزمایی‌اند، از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی، مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (احمدپور، 1385: 123). در رویکر نسل دومی؛ محققان نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بر استفاده از نظریه در تحقیق به منظور حساسیت نظری تأکید کرده‌اند. در تعریف حساسیت نظری نیز بیان می‌دارند که سطح حساسیت نظری پژوهشگر، بازتابی از سابقه ذهنی و فکری اوست؛ یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده، می‌تواند در انجام پژوهش خود بهره گیرد (ملانی، 1393: 23). لذا در این بخش سعی می‌شود توضیح مختصری از نظریه‌های مرتبط با تحول معرفتی ارائه شود.

نظریه‌های مختلف تحول در علوم انسانی به پنج دسته تقسیم می‌شوند که یکی از آنها، نظریه توماس کوهن در خصوص انقلابات علمی است. کوهن انقلاب علمی را حادثه‌ای غیر انباشتی و غیر تجمعی

29 نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

می‌داند؛ نوعی انقطاع یا گسست بنیادین و اساسی که تمام چیزها را به طور بنیادین تغییر داده و متحول می‌سازد. به عبارتی؛ هر پارادایمی دارای ویژگی‌های ذیل است:

1. هر پارادایمی که خود را ایجاد و مستقر می‌سازد، در واقع بلوغ و تکامل یک علم را تشکیل می‌دهد.
2. پارادایم‌ها در بر دارنده نمونه‌های اصیل و دستاوردهای علمی‌اند، که در سطح وسیع و گسترده تأیید و تصدیق شده و از سوی جامعه علمی به عنوان الگوها و راه‌حلهایی برای مسائل و معضلات، پذیرفته شده‌اند و امکان ظهور علم‌هنجاری را فراهم می‌سازند.
3. تغییر و تحول در پارادایم، مستلزم انقلاب علمی است.

4. پارادایم‌های رقیب، ناسازگار و مابین‌اند؛ زیرا هر پارادایمی مسائل و معضلات متفاوتی را برای حل کردن برمی‌گزیند و به نوبه خود از معیارهای متفاوتی نیز برای موفق به حساب آمدن راه حل خود استفاده می‌کند. لذا هیچ‌گونه اطلاعات و داده‌های مشاهده‌تی عام و مشترک وجود ندارد که بتواند به عنوان معیارهای بی‌طرف، برای مقایسه و تمایز میان آنها و در نتیجه انتخاب یکی از آنها عمل کند؛ زیرا هر کدام واقعیات متفاوتی را می‌بینند.

5. بنابر این، قواعد، واقعیات یا فکت‌های بی‌طرف نمی‌توانند تغییر پارادایم را مشخص کنند. تغییر پارادایم در نتیجه جامعه علمی صورت می‌گیرد؛ یعنی در نتیجه توجیه و تعلیل از سوی اقتدار اشخاص، نه توسط معیارهای غیر شخصی نظیر قواعد منطقی یا روش‌شناختی (تانی‌راد، 1383: 7). کوهن، تولید دانش و نوآوری را در انقلاب می‌بیند و قائل است، کاربرد یا دگرگونی‌های تازه معمولاً در محدوده موضوعی مورد بحث، حالتی مشروع دارند و تنها موردی که معمولاً شاهد دگرگونی بنیادی در علم هستیم، وقتی اتفاق می‌افتد که تمام نظم علمی موجود (پارادایم حاکم) مورد تردید قرار گیرد.

به عقیده کوهن، پارادایم عبارت است از نوعی موفقیت یا دستاورد مهم جدید که مورد تصدیق جامعه علمی خاص است و الگویی فراهم می‌کند که از روی آن سنت منسجمی درباره پژوهش علمی و همچنین شیوه عامی برای نگرش به جهان تدوین شود. به اعتقاد کوهن (1973)، واحد اصلی و زیربنای هر تحلیل، جامعه علمی است و آموزشهای تخصصی و حرفه‌ای، عامل پیوند اعضای این جامعه است. خود این آموزشها نیز بر دستاوردهای علمی پیشین استوارند. هر جامعه علمی خاص که با تخصص علمی معینی سر و کار دارد، به دستاوردهایی توجه دارد که آن را به منزله مبنایی برای پژوهش مستمر خود قرار داده است. این دستاورد یا موفقیت، همان چیزی است که کوهن، از آن با عنوان «پارادایم» یاد می‌کند و تحقیق یا پژوهشی را که بر مبنای پارادایم استوار است، «علم‌هنجاری» می‌نامد. در نتیجه، تعهد و پایداری به مجموعه‌ای از «قوانین»، پارادایم نظریه‌ها، روشها و معیارهایی به وجود می‌آورد که در حل معضلات و مسائل علمی موفقیت‌هایی داشته باشد. در نتیجه، شیوه تفکر جدید را درباره مسائل و معضلات بعدی

پایه‌ریزی می‌کند. به اعتقاد کوهن، پارادایم باید نامحدود، باز، غیر محصور و موقیت‌آمیز باشد. بنابر این، پارادایم واجد نوعی کیفیت خودمحدودساز است. پارادایم نمی‌تواند با اصول و مبانی خود در افتد و با آنها به چالش برخیزد یا آنها را نفی کند. لذا علم هنجاری یا همان تحقیقات و پژوهشهای مبتنی بر پارادایم، درصدد حل معما برآمده و به فکر یافتن تعبیری تازه یا بیانی دیگر از پارادایم می‌افتد؛ ولی از هرگونه نوآوری جدی و اساسی اجتناب می‌ورزد. (چالمرز، 1387: 68)

لاکاتوش یکی دیگر از نظریه‌پردازان تحول معرفتی است که دیدگاه نامعقول‌گرایی و شک‌گرایی را به دیده‌خوف و هراس می‌نگرد و درصدد تدوین نظریه معقولیتی است که مشکلات روش‌شناسی‌های قبلی را نداشته باشد و به شک‌گرایی منجر نشود. او روش‌شناسی‌اش را به گونه‌ای تدوین می‌کند که از یکسو نگاهی به تاریخ علم داشته باشد و از سوی دیگر، راهی برای پیشرفت علم بگشاید. او روش‌شناسی برنامه‌های پژوهش علمی را بسط می‌دهد که در اینجا به اختصار به همراه مبانی پاپری این روش‌شناسی، ساختار، اجزا و ویژگی‌های آن و همچنین ملاکهای ترجیح نظریات و برنامه‌های پژوهشی به رقبایشان بررسی می‌شود. لاکاتوش تلاش می‌کند با ارائه ملاکهای دقیق برای ارزیابی نظریات و برنامه‌های پژوهشی، نظریه معقولیت بی‌عیب و نقصی ارائه دهد. او برای ارزیابی روش‌شناسی‌ها، یک فراروش‌شناسی ارائه می‌دهد که بر اساس آن، سایر نظریات معقولیت یا روش‌شناسی‌ها را ارزیابی کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که روش‌شناسی برنامه‌های پژوهشی علمی وی، برترین روش‌شناسی موجود است و می‌تواند ما را از خطر شک‌گرایی برهاند. (همان: 43)

یکی از چالش‌آمیزترین و جالب‌ترین تبیینهای معاصر از علم، تبیینی پل فایریند است که با تکیه بر کتاب «علیه روش» ارائه کرده است. او معتقد است هیچ یک از روش‌شناسی‌های بیان‌شده صحیح نیستند و با توجه به پیچیدگی مسئله، انتظار اینکه علم بر اساس چند قاعده ساده روش‌شناختی قابل تبیین باشد، بسیار نامطبوع به نظر می‌آید. گرچه فایریند می‌خواهد میان دانشمند معقول و بوالهوس فرق بگذارد، اما بر این اصل تأکید می‌کند که «هر چیزی امکان‌پذیر است». به نظر او: تصور اینکه می‌توان، و باید، علم را مطابق قواعد ثابت و جهان‌شمول حیات و استمرار بخشید، هم غیر واقع‌بینانه است و هم مهلک. «غیر واقع‌بینانه» است؛ زیرا از استعدادهای انسان و شرایطی که مشوق و مسبب توسعه استعدادهای اوست، تلقی بسیار ساده‌ای دارد و «مهلک» است؛ برای اینکه هر گونه تلاشی برای اعمال آن قواعد ناگزیر اهمیت و توانایی حرفه‌ای ما را به قیمت انسانیت ما افزایش خواهد داد. به اضافه، این تصور «برای علم مضر» است؛ زیرا شرایط پیچیده فیزیکی و تاریخی مؤثر در تحول علمی را مغفول می‌گذارد. این تصور علم را کمتر انعطاف‌پذیر و متکیف و بیشتر جزمی می‌کند... پژوهشهای موضوعی از قبیل آنچه در فصول پیشین گزارش شد، علیه اعتبار جهان‌شمول هر قاعده‌ای حکایت می‌کنند. تمام روش‌شناسی‌ها محدودیتهای خود را دارند و تنها قاعده‌ای که بقا می‌پذیرد، همانا «هر چیزی امکان‌پذیر است» است (همان: 23). نکته دیگری که فایریند

نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد 31

بر آن تأکید می‌کند، عدم امکان مقایسه منطقی میان نظریه‌های رقیب است؛ چون معنا، مدلول مفاهیم و گزاره‌های مشاهدتی مورد استخدام آنها به چارچوب و زمینه نظری‌ای که در آن رخ می‌نمایند بستگی خواهد داشت. امکان دارد در برخی موارد، اصول اساسی دو نظریه رقیب چنان به طور بنیادی متفاوت باشند که حتی صورت‌بندی مفاهیم پایه‌ای یک نظریه بر حسب دیگری امکان‌پذیر نباشد. در نتیجه، دو رقیب در هیچ گزاره مشاهده‌ای اشتراک نداشته باشند، در چنین مواردی مقایسه منطقی نظریه‌های رقیب، غیر ممکن است. استنتاج منطقی برخی از توابع یک نظریه از اصول نظریه رقیب، به منظور مقایسه دو نظریه ممکن نخواهد بود؛ در این صورت این دو نظریه غیر قابل قیاس خواهند بود.

(د) روش‌شناسی

روش‌شناسی استفاده‌شده در این مطالعه، روش‌شناسی کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد¹ به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه داده‌بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی، ارائه مدل است نه توصیف صرف پدیده.

نمونه‌گیری: در بررسی کیفی می‌توان از نمونه‌گیری نظری استفاده کرد. این نمونه‌گیری برای تشخیص تعداد مفاهیم، تعیین محل داده‌های مورد نیاز در متن و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. (احمدپور، 1385: 45)

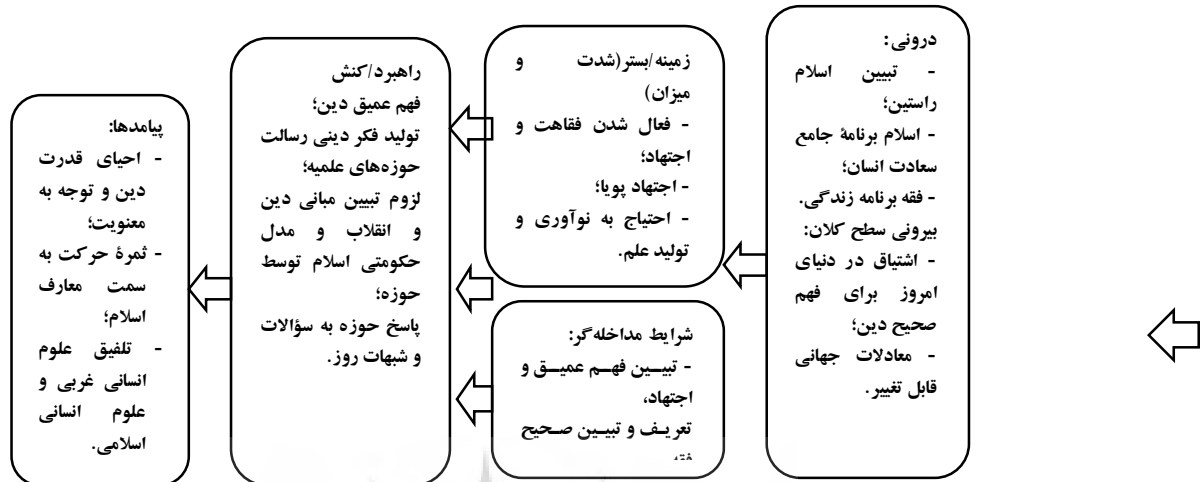
رویه تحلیل داده‌ها (مراحل ساخت نظریه): بر خلاف پژوهش‌های کمی که به سادگی می‌توان رویه‌ها و مراحل آن را از هم تفکیک کرد و تحلیل داده‌ها مرحله مستقلی از فرایند گردآوری آنهاست، در پژوهش‌های کیفی به ویژه در روش نظریه بنیادی، مرزبندی شفاف بین مراحل پژوهش وجود ندارد و با مراحل و رویه‌های یکپارچه‌ای سروکار داریم (ملاتی، 1393: 142). در نظریه‌گراند، از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. کدگذاری مهم‌ترین راهبرد یا روش مفهوم‌پردازی در پژوهش‌های کیفی است. در واقع؛ بر اساس کدگذاری است که سؤالات پژوهش هدایت یا سؤالات پژوهشی جدیدی طرح می‌شود. همچنین، از طریق روش کدگذاری، داده‌های خام کیفی به داده‌ها یا موادی قابل مدیریت و مفید تبدیل می‌شوند. سه نوع یا سطح کدگذاری در تدوین نظریه تحول معرفتی عبارتند از: کدگذاری باز،² محوری³ و گزینشی/انتخابی.⁴

1. Grounded Theory
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

ه) تحلیل داده‌ها

همان طور که در بیان مسئله مطرح شد، مهم‌ترین پرسشهای تحقیق حاضر این خواهد بود که: کدام مدل نظری، تحول معرفتی را از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین می‌کند؟ چه تغییراتی در علوم انسانی باید در ایران رخ دهد تا تحول معرفتی صورت گیرد؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ لذا با استفاده از داده‌های ثانویه به پاسخگویی به سؤال تحقیق پرداخته‌ایم. در این فرایند، تمام بیانات رهبری از سال 1379 تا کنون تحلیل شده است. سال 1379، آغاز طرح بحث مهم فرایند تحقق اهداف اسلامی از سوی مقام معظم رهبری است. در این بخش، ضمن شرح داده‌های جمع‌آوری شده از مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تلاش می‌شود تا فرایند استخراج مفاهیم اصلی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی به انجام رسیده و چارچوب نظری پدیدار شود.

بررسی رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه تحول معرفتی نشان می‌دهد که ایشان ضمن تبیین علل درونی و بیرونی شکل‌گیری تحول معرفتی، پیامدها و بسترهای آن را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو، در کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل مطالب جمع‌آوری شده و شناسایی مفاهیم نهفته در آنها طی دو گام، یک کشف تمایز موضوعات، آنها را جداسازی و در گام بعدی موضوعات متشابه ذیل عنوان واحد طبقه‌بندی شده است که علل درونی و بیرونی شکل‌گیری تحول معرفتی را نشان می‌دهد. مفاهیم اصلی مربوط به علل درونی و بیرونی، شامل تبیین اسلام راستین، اسلام برنامه جامع سعادت انسان و فقه برنامه زندگی، به عنوان شرایط علی درونی؛ اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین و معادلات جهانی قابل تغییر، به عنوان شرایط علی بیرونی؛ تبیین فهم عمیق و اجتهاد، تعریف و تبیین صحیح فقه به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ فعال شدن فقاهت و اجتهاد؛ اجتهاد پویا، احتیاج به نوآوری و تولید علم، به عنوان بستر تولید فکر دینی؛ رسالت حوزه‌های علمیه، لزوم تبیین مبانی دین و انقلاب و مدل حکومتی اسلام توسط حوزه، پاسخ حوزه به سؤالات و شبهات روز به عنوان راهبرد کنشی و احیای قدرت دین و توجه به معنویت؛ ثمره حرکت به سمت معارف اسلام، تلفیق علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی به عنوان پیامدهای تحول معرفتی و مقوله هسته‌ای این بررسی تحول معرفتی است که مقولات عمده مذکور را در بر می‌گیرد. در کدگذاری محوری، رابطه بین مفاهیم اصلی تعیین شد که در مدل پارادایمی نمایش داده شده است و در کدگذاری انتخابی، مدل نظری پدیدار شده است. در ادامه، سخنان ایشان در خصوص علل درونی و بیرونی تحول معرفتی شرح داده شده است.



نمودار 1: مدل نهایی پارادایمی تحول معرفتی

1. مقوله هسته‌ای

این مقوله برجسب مفهومی است که برای چارچوب یا طرح به وجود آمده در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه در این پژوهش تحول معرفتی مطالعه شده است، پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها در مرحله کدگذاری باز و بررسی ویژگی‌های ارائه‌شده؛ مقوله تحول معرفتی به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد.

«وقتی جامعه (اسلامی) تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند که «لما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ انسانها به عبودیت برسند. (اینکه) «لِيَعْبُدُونِ» را به «لِيَعْرِفُونِ» معنا کردند، معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ»، عبادت به معنای معرفت است؛ نه بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد؛ عبادت نیست؛ بنابر این، جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد؛ یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. هدف اعلی برای انسان عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است.» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، 1390/7/24)

2. شرایط علی تحول معرفتی: درونی

شرایط علی باعث ایجاد و توسعه مقوله هسته‌ای یا پدیده می‌شوند. از میان مقولات تولیدشده، تبیین اسلام راستین، اسلام برنامه جامع سعادت انسان و فقه برنامه زندگی، به عنوان شرایط علی درونی؛ اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین و معادلات جهانی قابل تغییر به عنوان شرایط علی بیرونی، محوری‌ترین مفهوم

استخراج شده است. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آنها، تنها به ذکر بیاناتی از مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود که مقوله اصلی شناخته شده‌اند.

یک) مقوله تبیین اسلام راستین

مقوله تبیین اسلام راستین از مهم‌ترین عوامل درونی تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری است: «طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پُر جاذبه است و دل‌هایی را که آلوده غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دل‌ها و چشم‌های نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملتها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبنده جباران و بر پا کننده حکومت مستضعفان، سر برکشیده است. در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، جایگزین اسلام امریکایی گردید. و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه کشورهای اسلامی بسته بودند یا از اسلام، فقط نامی بی‌محتوا و وسیله‌ای برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند. لذا از روز اول پیروزی انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام یعنی ایران از دست نداده‌اند». (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، 1369/03/10)

- ویژگی‌های مقوله تبیین اسلام راستین: هر یک از ویژگی‌های ذیل، ابعاد خاص خود را دارند که به دلیل گستردگی، تنها به ذکر برخی از آنها بسنده می‌شود.

1) لزوم تبیین درست و محکم دین: «امروز روزی نیست که ما به نام دین و از زبان دین بتوانیم سخنی را بگوییم که سست باشد، یا هدفی را ترسیم کنیم که نتوانیم آن را از معارف اسلامی استخراج نماییم، یا در نقطه مقابل نسبت به آنچه که جزو اهداف دینی و مسائل مهم فقهی یا کلامی است، بی تفاوت بمانیم». (بیانات رهبر انقلاب در آغاز درس خارج فقه، 1378/06/28)

35 **◆** نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

2) اسلام، مدّعی برنامه‌ای متفاوت برای حیات انسان: «فرهنگ مثل آب و هواست. فرهنگ یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها رویه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.» (سخنرانی در مراسم یعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمیّه مشهد، 1368/04/20)

ابعاد این ویژگی عبارتند از: **ارکان بنای یک نظام اجتماعی:** «اسلام ادعا می‌کند که ارکان بنای یک نظام اجتماعی را در اختیار دارد و می‌تواند این پایه‌ها و رکنها را بنشانند و بر اساس این پایه‌ها، یک نظام اجتماعی و یک جامعه سالم و پیشرفته بنا کند. ما بایستی در همه بخشها، از جمله در مسئله کسب دانش و همچنین در پیوند با این مسئله، مسئله زن و دانش، نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است.» (سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، 1368: 422-419). **مشخص کردن ابعاد مختلف زندگی:** «اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربی‌ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد.» (سخنرانی در مراسم یعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمیّه مشهد، 1368/04/20)

دو) فقه، برنامه زندگی

«فقه به معنای خاص؛ یعنی آگاهی از علم دین و فروع دینی و استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه متون دینی، که خیلی هم مهم است. انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات، احوالی دارد و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه شئون اوست. تکلیف و سرنوشت همه اینها در فقه معلوم می‌شود. فقه به این معنا مورد نظر ماست، که اسمش همان احکام فرعی است؛ استنباط احکام فرعی از اصول. فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً؛ فقه الله‌الاکبر، این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند؛ یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی فقه است.» (در جمع علما و مدرّسان و فضلاء حوزه علمیّه قم در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی(عج)، 1370/11/30)

3. شرایط علی بیرونی

یک) مقوله اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح

مقوله اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین، از مهم‌ترین عوامل بیرونی شکل‌گیری تحول معرفتی از دیدگاه مقام رهبری است: «امروز خوشبختانه بیداری وسیعی در دنیای اسلام به وجود آمده است؛

بایستی این بیداری را به سمت صحیحی هدایت کرد؛ مسئولیت این کار با علما و متفکران و اندیشمندان عالم اسلام است؛ باید کاری کنند که این بیداری به سمت حاکمیت اسلام منتهی بشود. البته کار مشکل است». (گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه فجر، 1370)

- ویژگی‌های مقوله اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین

1) ارائه اسلام به صورت متعالی: «امروز هم تکلیف عظیمی با ما روبه‌روست؛ یعنی ارائه اسلام به صورتی که بتواند ذهن‌ها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آنها را به درستی پاسخ بدهد، ایمان آنها و حضورشان در این میدان را به صورت خالصانه و مخلصانه حفظ کند». (در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم، 1370)

2) پاسخ به مسائل روز به صورت ابتکاری: «امت اسلامی در طول قرن‌ها یعنی در دوران انزوای اسلام کمتر با مسائل واقعی مواجه شد؛ اما امروز ما با مسائل بسیاری که وضع زمان و پیشرفتهای علمی بر ما تحمیل می‌کند مواجهیم؛ ما باید برای اینها از متن اسلام جواب پیدا کنیم. اسلام مطمئناً برای همه نیازهای بشر پاسخ دارد؛ این ما هستیم که بایستی با ابتکار و استعداد، این جوابها را پیدا کنیم و در مقابل بشر سؤال‌کننده بگذاریم؛ این کار علما و متفکران است». (در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید مبعث، 1377)

3) ویژگی سرکوب احساسات در دنیا: «امروز ظرفیت عالم برای فهم پیام نبوی، از گذشته بسیار بیشتر است. هرچه علم بشر بیشتر شود، توفیق پیام اسلام محتمل‌تر می‌شود. هرچه قدرتمندان عالم در هر کجای دنیا از ابزارهای حیوانی و سع‌گونه بیشتر استفاده کنند برای سرکوب کردن احساسات انسانی، برای به تسخیر کشیدن انسانها که ظلم قدرتها به بشر، به این ترتیب آشکارتر شود جا برای شناسایی نور اسلام بیشتر باز خواهد شد و انسانها بیشتر تشنه خواهند شد. امروز ما آثار تشنگی بشریت را به پیام اسلام که پیام توحید است، پیام معنویت است، پیام عدالت است، پیام کرامت انسان است احساس می‌کنیم؛ انسانها مشتاقند». (در دیدار مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث، 1379)

توجه به دین در تمام نقاط عالم: امروز برای سیاسیون، متفکران، متخصصان علوم اجتماعی و بسیاری از توده‌های مردم - به خصوص جوانان - در بسیاری از نقاط عالم و به طور خاص در کشورهای اسلامی، دین مورد توجه، اسلام شریف و احکام مقدس اسلامی است. یقیناً بخش عمده از حادثه‌ای که بر خلاف انتظار و برخلاف طبیعت جریان عادی جهانی در یکی، دو دهه اخیر به وجود آمده است، مربوط به پیروزی دین و اسلام در این کشور و تشکیل نظام اسلامی است. لذا امروز مطالعات دینی در سراسر دنیا، از جنبه سیاسی دین جدا نیست؛ دین را مجرد از تأثیر سیاسی آن نگاه نمی‌کنند و موضع‌گیری‌ها بر این اساس است؛ همچنان که دل‌هایی که متوجه دین شده است - مثل جوانان و نسل‌های نوحاسته دنیای اسلام و بعضی از مناطق دیگر عالم - دنبال دین مجرد از حضور سیاسی و اجتماعی نیست.

4. بستر: بستر حاکم: شدت و میزان فعال شدن فقها

به شرایط خاص تأثیرگذار بر کنشها و تعاملات، بستر گفته می‌شود. این بستر ناظر بر فضای حاکم بر تعاملات فقها و محققان است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند و در مدل معرفی شده عبارتند از: شدت و میزان فعال شدن فقاهت و اجتهاد، اجتهاد پویا، احتیاج به نوآوری و تولید علم طبقات روحانیون با فرادست و فرودست و میزان فراگیر شدن تحول معرفتی.

یک) فعال شدن فقاهت و اجتهاد

«ما مجتهدان بزرگی داریم؛ فکرها و مغزهای فعالی داریم؛ زمینه‌های خوبی برای اجتهاد داریم؛ لذا در همه زمینه‌ها، اجتهاد باید هرچه بیشتر فعال بشود. ما امروز در بسیاری از زمینه‌ها احتیاج داریم که وارد میدان اجتهاد شویم و حکم آنها را از اسلام بگیریم. باید علمای بزرگ، علمای حوزه‌ها، اعضای مجلس خبرگان و دبیرخانه خبرگان در زمینه‌های مربوط به خودش، به صورت دقیق و کاملاً عالمانه و فنی این کارها را بکنند تا کار دست نااهل نیفتد. ... شما در همه زمینه‌ها، آن فکر ناب اسلامی را از منابع صحیح استخراج کنید و در معرض افکار مردم، جویندگان، خواهندگان و به خصوص جوانان قرار دهید...» (در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، 1379)

- ویژگی‌های مقوله فعال شدن فقاهت و اجتهاد

1) فقاهت همراه با شناخت زمان و مکان: «شناختن نقش هر زمان و هر مکان، همواره باید با پابندی به اصول فقاهت که روشی علمی و تخصصی است، همراه باشد. و این است معنای سخن امام راحل (رحمه‌الله علیه) که فقه پویانده و منطبق بر نیازهای همیشه و همه جا را، همان فقه سنتی دانسته و بر این پای فشرده‌اند.» (پیام به کنگره زمان و مکان در اجتهاد، 1374/12/24)

2) ورود فقه به همه حوزه‌ها: «فقه و فقاهت باید در حوزه‌ها پیشرفت بکند. این پیشرفت، هم از لحاظ عمق است و هم از لحاظ سعه و فراگیری مسائل زندگی. فقه باید عمیق بشود؛ عمیق‌تر از آنچه که هست. همچنان که شما نگاه می‌کنید، فقه زمان علامه حلی (رضوان‌الله علیه) از فقه زمان شیخ انصاری عمیق‌تر است؛ یعنی با آرا و نظرات گوناگون برخورد کرده و در طول زمان، عمق و پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. فقه زمان مثلاً محقق ثانی - علی بن عبدالعالی کرکی - نسبت به فقه زمان علامه، عمق بیشتری دارد. یا من‌باب مثال، فقه شیخ در مکاسب، از تعمق بیشتری برخوردار است. ما باید این عمق را روزافزون کنیم. عمق به معنای این نیست که به گوشه‌ها و حواشی و تدقیقات زاید پردازیم؛ نه، مسئله را حل‌جایی کردن، آن را به روشهای نوی تحقیق زدن و به وسیله آنها، آن را عمیق‌تر کردن است. کسی که اهل تحقیق باشد، در میدان عمل می‌تواند این شیوه تحقیق را بشناسد.» (در جمع علما و مدرسان و فضایی حوزه علمی قم در نخستین سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، 1370/11/30)

دو) احتیاج به نوآوری و تولید علم

«مسئله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه علوم و از جمله علوم انسانی است. ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمولهای تغییرنکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نکرده‌ایم؛ در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. اینجا از آنجایی است که ما باید به تولید علم برسیم.» (در دیدار جمعی از استادان دانشگاههای سراسر کشور، 1382:139-137)

5. شرایط مداخله‌گر

مقولات «تبیین فهم عمیق و اجتهاد» و «تعریف و تبیین صحیح فقه» از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری‌اند.

ویژگی‌های مقوله فهم عمیق و اجتهاد

1) عمق‌نگری در فقه: «ما باید به فقه عمق ببخشیم. از سطحی‌نگری در فقه بایستی پرهیز بشود. امروز فقه ما باید از فقه زمان شیخ و شاگردان شیخ و شاگردان شاگردان شیخ - که بزرگان دوره ماقبل ما هستند - عمیق‌تر باشد. در مسائل، ما به هیچ وجه نباید سطحی فکر کنیم. باید به فقه پیچیدگی و عمق ببخشیم. این، یک بعد از ابعاد پیشرفت فقاقت است.» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1370/06/31)

2) نوآوری در فقه: «امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد؛ احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادها را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از اینها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - می‌تواند علی‌الفرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم تا راههایی را برای اداره زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید وهم از لحاظ روش. همین روش فقاهتی که عرض شد، احتیاج به

39 ◆ نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرهاى نو روی آن کار بکنند تا اینکه بشود کارایی بیشتری به آن داد». (همان)

6. راهبرد/ کنش

بیانگر رفتار و فعالیتها و تعاملات هدفدارى‌اند که تبعات مقوله هسته‌ای و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر است. به این مقوله، طبقه راهبردى/تعاملی/کنشی نیز گفته می‌شود که در پژوهش حاضر مقولات مذکور عبارتند از: تولید فکر دینی، رسالت حوزه‌های علمیه، لزوم تبیین مبانی دین و انقلاب و مدل حکومتی اسلام توسط حوزه، پاسخ حوزه به سؤالات و شبهات روز.

یک) تولید فکر دینی

مقوله تولید فکر دینی از مهم‌ترین راهبردهای کنشی تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری است: «حوزه علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه عظیم انسانی است؛ باید دائم تولید کند؛ باید کتاب تولید کند؛ آدم و عالم تولید کند؛ متدین تولید کند؛ فکر تولید کند و حرف تازه‌ای بزند. حرف تازه که تمام نشده است. بزرگان ما می‌گویند که هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم و در آن تدبیر می‌کنیم، حرفی می‌یابیم که قبلاً نیافته بودیم؛ خیلی خوب، این حرف تازه است. بعضی‌ها نگویند که هر چه حرف تازه است، در دین هست؛ دیگر چه حرف تازه‌ای می‌خواهید. بله، ما همان دین را درست نشناختیم! باید حرفهای تازه دین را در بیاوریم؛ یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت. این طور نیست که همه حرفهای دین همین چهار تا حرفی است که من و شما در منبرها یا در کتابهای علمی و تبلیغی و رساله‌مان بیان کرده‌ایم؛ نخیر، بیش از اینهاست؛ شما جلو بروید، خدا به شما حرف جدید خواهد داد». (در جمع علما و مدرّسان و فضلاء حوزه علمیه قم در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، 1370/11/30)

- **ویژگی‌های مقوله احیای تولید فکر دینی:** تحقیق در مسائل دینی، ارزیابی تازه از مسائل جهان و سخن تخصصی زدن.

1) تحقیق در مسائل دینی: «این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی؛ آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است، بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر. این گروه، این را باید فراگیرند؛ احکام جدیدش را تحقیق کنند؛ ناخالصی‌ها و ناسره‌ها را از آن بزدایند و آن را با زبان مناسب، در هر جامعه‌ای و هر زمانی و هر مخاطبی، به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برسانند. این وظیفه آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش حوزه علمیه است». (در دیدار دانشجویان به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، 120:1372)

2) سخن تخصصی زدن: «امروز روزی نیست که ما به نام دین و از زبان دین بتوانیم سخنی را بگوییم که سست باشد، یا هدفی را ترسیم کنیم که نتوانیم آن را از معارف اسلامی استخراج نماییم، ... بلاشک

مرکز این توجهات و تحقیقات علمی، حوزه‌های علمیه است. نه اینکه کسانی که خارج از حوزه‌های علمیه‌اند، حق ندارند درباره مسائل اسلامی فکر کنند؛ بحث حق نیست؛ بحث این است که برای این تحقیق، ابزار و وسائل لازم در غیر حوزه‌های علمیه فراهم نیست. هر کسی حق دارد پزشک شود؛ اما برای پزشک شدن باید به دانشکده پزشکی رفت. نمی‌شود در جایی که استاد و علم و آزمایشگاه و معلم و آگاه به فن وجود ندارد، ما دنبال دانش برویم. جای فهم دین، جای تأمل در دین، جای غور علمی در مسائل دینی در حد تخصص، حوزه‌های علمیه است. البته ممکن است هر کسی در حد پایین‌تر از تخصص، آگاهی‌هایی داشته باشد؛ اما برای متخصص شدن باید به حوزه‌های علمیه و نزد متخصصان علمی رفت و به آنان متوسل شد و از آنان خواست و از آنان فراگرفت». (بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1378: 86)

دو) لزوم تبیین مبانی دین و انقلاب و مدل حکومتی اسلام توسط حوزه

«حوزه باید مراکز متعدد تحقیقاتی داشته باشد تا در تمام این زمینه‌ها، مثل یک مجموعه تولیدی مرتب و مدرن کار کند و محصول بدهد. اگر چنانچه دستگاه در مسئله‌ای دچار سؤال شد - مثل مسئله زمین و موسیقی و در یک چارچوب وسیع‌تر، سیستم اقتصادی و روابط خارجی و ارتباط با ملتها و مسائل پولی و ارزشهای کارگزاران حکومت و صدها مسئله از این قبیل که هر دستگاهی همواره با این سؤالات از لحاظ مبنایی مواجه است که ما بر چه اساسی قانون بگذرانیم و بر چه اساسی مقررات اداری بگذاریم و بر چه اساسی عمل بکنیم - بدانند که مرکزی این گونه سؤالات را جواب می‌دهد». (در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضای حوزه علمیه قم، 1368/09/07)

- ویژگی پاسخ فرهنگ غنی فقه اسلامی به نیازهای امروز

«شکی نیست که نظام و حکومت اسلامی و تفکری که پشتوانه و پایه این حکومت است، در دنیا جایگاه و نقش و مسئولیتی دارد و کاری بر عهده اوست. البته، دیدگاههای دیگری هم هست که حالا به تفصیل نمی‌شود صحبت کرد و نمی‌خواهیم وقت را بگذرانیم. سؤال این است که در مقابل این همه نیاز و استفهام در داخل و خارج و بر حسب اوضاع جدید اعتقادی و سیاسی عالم، جمهوری اسلامی به عنوان پایگاه دین اسلام و نقطه‌ای که ادعا می‌کند اسلام در اینجا تحقق پیدا کرده است، برای عرضه کردن چه چیزی را در آستین خود آماده دارد و برای این همه دهانهای باز، کدام غذا را آماده کرده است؟ ما چه چیزی داریم؟ چه می‌خواهیم عرضه کنیم؟ البته برای عرضه کردن، ما خیلی چیزها داریم. اگر همین مواد خامی که در اختیارمان است - مثل عنصر از معدن درآمده طلا؛ یعنی همین آیات قرآن و احادیث - در سطح دنیا منتشر کنیم، خودش خیلی چیز است. بنابر این، ما کم نداریم. اما نکته این است که اگر سؤال شود با این منبع عظیم اسلامی و با این متد هزارساله تجربه شده و تحقیق حقیقتاً شگفت‌آور - که گاهی تحقیقات این فقها، از نظر ظرافت و دقت و ژرف‌نگری، واقعاً شگفت‌آور است - و به خصوص آن فقه پیچیده‌ای که در شیعه است (فقه برادران اهل سنت نسبت به فقهی که در بین علمای شیعه است، آن پیچیدگی و فنی‌گری را ندارد.

41 **◆** نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

این، خیلی فنی‌تر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر است. البته، فقهای ما کار عظیمی در این باب کردند که به هر حال، همه‌اش متعلق به اسلام است، پاسخ ذره ذره و دانه دانه مسائل زندگی چیست؟ شما و همه ما در جواب خواهیم ماند؛ یعنی ما امروز به فراخور نیاز و استفهامی که وجود دارد، پاسخ حاضر نداریم. غالباً هم معادن عظیم و غنی از جنسهای فاخر در اختیارمان است؛ اما پولی را که بشود در بازار دست این و آن داد و خرجش کرد، نداریم. چه کسی می‌خواهد این کارها را بکند؟ این، حرف من نیست؛ حرفی است که سالها در حوزه مطرح بوده است.» (در دیدار با اساتید، مسئولان، فضلا و طلاب بنیاد فرهنگی باقرالعلوم، 1368: 435-434)

7. پیامدهای تحول معرفتی

برخی از مقولات بیانگر نتایج و پیامدهایی‌اند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در این پژوهش، پیامدهای تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس سه محور اصلی بنا نهاده شده است؛ یعنی احیای قدرت دین و توجه به معنویت، ثمره حرکت به سمت معارف اسلام و تلفیق علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی؛ که هر یک ابعاد متفاوتی دارند. مقوله احیای قدرت دین و توجه به معنویت، از مهم‌ترین پیامدهای تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. ویژگی‌های عمده این مقوله عبارتند از: دین، منبع قدرت و اداره جامعه؛ احیای قرآن در تمام ابعاد و زوایای زندگی مردم؛ وحدت حوزه و دانشگاه راهی برای مقابله با حفظ دین از محیط دانشگاه؛ رشد کمی و کیفی جلسات دعا و توسل.

یک) احیای قدرت دین و توجه به معنویت (ویژگی احیای قرآن در تمام ابعاد و زوایای زندگی مردم)

«ما در سالهای قدیم، دوره بی‌قرآنی را در این مملکت گذرانندیم؛ قرآن به تدریج داشت از همه جای کشور جمع می‌شد. در گذشته‌های دور، مکتبخانه‌ای بود که بچه‌ها قرآن را در آن‌جا یاد می‌گرفتند؛ لیکن در دوران پهلوی اینها را به کلی از بین برده بودند؛ این مدارس رسمی هم که مطلقاً چنین چیزی نداشت. البته فقط تعدادی از این جلسات و دوره‌های قرآن فعالیت داشتند و بعضی از افراد در گوشه و کنار کشور- تهران، مشهد، اصفهان و سایر جاها- مشغول بودند؛ اما هیچ چیز نبود؛ هرچه شده، از انقلاب به این طرف است؛ در عین حال، ما احساس می‌کنیم که از کاروان فراگیری و انس با قرآن عقب هستیم.» (در دیدار با قاریان مصری، 1370/11/03)

دو) ثمره حرکت به سمت معارف اسلام (ویژگی‌ها)

«اگر ملتی همت کند و دلسوزان این ملت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه به دست آنها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه اسلام، هیچ حجاب و حدی برای انسان وجود

ندارد. بی‌همتای و کم‌همتای ماست، کوتاهی انسانهاست که نمی‌گذارد آنها از اسلام استفاده کنند». (در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید مبعث، 1377)

سه تلفیق علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی (ویژگی‌ها)

«شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در اینجا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته خود ما. برخی از علوم انسانی هم تولیدشده غرب است؛ یعنی به عنوان یک علم وجود نداشته، اما غربی‌ها که در دنیای علم پیشروی کرده‌اند، اینها را هم به وجود آورده‌اند؛ مثل روان‌شناسی و علوم دیگر. خیلی خوب، ما، هم برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه‌هایی که آنها در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی احتیاج داریم. منتها گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه خارج از محدوده مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می‌ماند که شما یک کارخانه را وارد می‌کنید، آنها با این کارخانه یک چیز بد درست می‌کرده‌اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد. ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن و جوّزده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد. ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید. امروز غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه بخشهای مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بگیرد تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دلباخته اینها شده‌اند و نگاه می‌کنند به ذهن اینها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی مُنزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آنها فهمیده‌اند، درست است! شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این چنینی و مستقل بسازیم». (در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق، 1384: 257-255)

و) بحث و نتیجه‌گیری

الگوی بومی مدل نظری ارائه‌شده برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری، به خوبی علت شکل‌گیری تحول معرفتی را تبیین می‌کند که ضرورت ایجاد تحول معرفتی در برپایی تمدن عظیم اسلامی نهفته است.

43 \blacklozenge نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

«نظامی که بر اساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن خواهد بود. خصوصیت این نظام، این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد، نه؛ معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گم‌شده از میان بشر؛ یعنی عنصر معنویت، به زندگی بشریت برمی‌گردد» (در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی، 1385/07/25). «ما اولِ راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی‌اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگر است؛ اینها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم» (همان). «پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد» (1373/01/01).

بر اساس این الگو، مقولات تبیین اسلام راستین، اسلام برنامه جامع سعادت انسان و فقه برنامه زندگی، به عنوان شرایط علی درونی (شرایط ایجابی) در نظر گرفته شده است. البته بدیهی است نگاه مقام معظم رهبری، بسیار کلان‌نگر است. چنانچه بخواهیم مواردی جزئی بر آن بیفزاییم، می‌توان به شرایط سلبی درون جامعه دانشگاهی نیز اشاره کرد. ضعیف بودن پیشینه تحصیلی کنشگران، پنداشت ناصحیح آنان از تحول معرفتی، ضعف انگیزه و علاقه به کسب دانش و گرایش زیاد به مدرک‌گرایی، وضعیت نامطلوب ساختار برنامه حوزه نظریه‌پردازی تحول معرفتی، از جمله: ابهام در اهداف و سیاستها، نامناسب بودن ارتباط علمی بین رشته‌ها و گرایشها و دروس و عدم تطابق محتوای آنها با نیازهای امروزی ایران و مقتضیات جهان؛ ضعف ساختار اجتماع سازمانی، از جمله: ضعف و تعامل بین کنشگران حوزه تحول معرفتی، به ویژه تعامل بین استادان و دانشجویان و بین استادان و دانشجویان با نهادها و انجمنهای علمی و در نتیجه، ضعف هویت صنفی و اخلاق حرفه‌ای؛ ضعف سازمان و مدیریت علمی، از جمله: محدودیت ضعف استقلال آکادمیک، تمرکزگرایی و شیوه‌های تصمیم‌گیری بوروکراتیک و عدم شایسته‌سالاری و بالاخره، ضعف ساختار منابع و تجهیزات حوزه نظریه‌پردازی مسائل ایران، از جمله: محدودیت فضاهای آموزشی و پژوهشی، پایین بودن هزینه‌های سرانه در مقایسه با سایر رشته‌ها و تنگناهای مالی و اعتباری و غیره، از اهم مسائل و موانع درون‌زا یا درون‌بخشی ارتقای عملکرد علمی تحول معرفتی در ایران به شمار می‌روند.

مقولات اشتیاق در دنیای امروز برای فهم صحیح دین و معادلات جهانی قابل تغییر، به عنوان شرایط علی بیرونی (ایجابی) در نظر گرفته شده است و چنانچه بخواهیم مواردی جزئی بر آن بیفزاییم، می‌توانیم به شرایط سلبی برون جامعه دانشگاهی نیز اشاره کنیم؛ عوامل برون‌زا یا برون‌بخشی، شامل نظام اجتماعی و وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امروزی ایران می‌شود که در وضعیت موجود، هر یک از آنها نیز با مسائل عدیده‌ای روبه‌رویند. پایین بودن سطح توسعه فرهنگی، از جمله: نرخ باسوادی و

میزان خردگرایی؛ پایین بودن سطح توسعه اجتماعی، از جمله: ضعف اجتماع عام، هویت، همبستگی و انسجام جمعی عام، ضعف نهادهای مدنی، فرسایش روزافزون سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته؛ پایین بودن سطح توسعه سیاسی از لحاظ آزادی نشر و احساس امنیت؛ و بالاخره پایین بودن سطح توسعه اقتصادی از لحاظ سرانه تولید، سرانه مصرف انرژی و سهم نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی در بخشهای اقتصادی، از اهم موانع برون‌بخشی توسعه اجتماعی و بهبود عملکرد آن به شمار می‌روند. در این رهگذر، از تأثیر عوامل تاریخی، جغرافیایی، جمعیتی و به ویژه شرایط جهانی از جمله موقعیت ایران در نظم جهانی و شیوه تعامل آن با جهان، نمی‌توان غافل ماند.

مقولات شدت و میزان فعال شدن فقاقت و اجتهاد، اجتهاد پویا، احتیاج به نوآوری و تولید علم روحانیون در تعامل مشترک بین روحانیون و جامعه علمی و میزان فراگیر شدن تحول معرفتی، به عنوان بستر لحاظ شده است. بدیهی است دانش به طور عام و نظریه پردازی در حوزه تحول معرفتی به طور خاص، سرشت و ماهیتی جمعی و مشترک دارد. چنین دانشی، آینه تمام‌نمای واقعیتها نیست. شیوه‌های کسب و بیان آن با شیوه‌های زندگی، هنجارها و کردارهای ما پیوستگی دارد. ما از طریق همین روش است که طبیعت و جامعه خود را می‌شناسیم و با آنها تعامل پیدا می‌کنیم. امروز فرایند تولید و کاربرد دانش در سطح جهانی به عنوان محصول مشترک کنشگران حوزه فرهنگ، نه در دست کنشگران این حوزه، بلکه در اختیار سیستم و صاحبان قدرت است. پیامدهای این وضعیت به صورت سیطره عقلانیت ابزاری؛ بسیاری از مفاهیم را همچون: ساخت، کنش، فاعلیت، عاملیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ...، که به واسطه آنها جامعه و خود را می‌شناخته‌ایم و با آنها پیدا می‌کرده‌ایم، به چالش کشیده است. لذا امروز باید آمادگی نقد، بازنگری و تدفین این مفاهیم را در خود ایجاد کنیم، ولی نه در قالب روابط موجودی که منجر به بروز این مسائل شده، بلکه مستقل از سیستم در قالب نهادهای مدنی و انجمنهای علمی و در حوزه عمومی که امکان تعامل، گفتگوی آزاد و خردمندانه و به دور از هر نوع سلطه را برای ما به وجود آورد و مولد علم و اخلاق به عنوان دو همزاد مکمل در فرایند بقا و تداوم حیات اجتماعی - انسانی باشد.

مقولات «تبیین فهم عمیق و اجتهاد» و «تعریف و تبیین صحیح فقه» از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر تحول معرفتی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. مقولات «تولید فکر دینی»، «رسالت حوزه‌های علمیه»، «لزوم تبیین مبانی دین و انقلاب و مدل حکومتی اسلام توسط حوزه» و «پاسخ حوزه به سؤالات و شبهات روز» از راهبردهای کنشی تحول معرفتی‌اند. برای گذار از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب، چه راهبردی را می‌توان اتخاذ کرد؟ هرچند از لحاظ نظری اصلح این است که بتوانیم با ارزیابی دقیق همه شرایط و عوامل سطوح خرد، میانی و کلان و اصلاح آنها نسبت به توسعه نظریه پردازی در حوزه تحول معرفتی اقدام کنیم، ولی به نظر می‌رسد نباید منتظر ماند تا شرایط کلان جامعه مساعد شود، بلکه باید از هر کجا که مقدور باشد شروع کنیم. بنابر این، اولویت با انجام آن کاری است که از دست کنشگران حوزه

45 **◆** نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد

نظریه‌پردازی برمی‌آید و آن، اصلاح وضعیت درون‌بخشی علوم؛ یعنی کنشگران، ساختار برنامه، ساختار اجتماع سازمانی، ساختار مدیریت و ساختار منابع و تجهیزات به منظور ارتقای عملکرد علمی خود است؛ زیرا می‌تواند با شناخت علمی موانع و عوامل توسعه جامعه، به ویژه عوامل نرم‌افزاری، فکری، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با حوزه عمل خود و با شناخت آسیب‌های آن حوزه، از بروز آنها در برابر توسعه جامعه و بهبود وضعیت مردم، مؤثر واقع شود و جایگاه و نقش بهتر و مؤثرتری در جامعه و در فرایند تغییر و تحولات جامعه پیدا کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- چالمرز، آلن (1387). چستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: سمت.
- ملانی، بیرکس و جین میلز (1393). تحقیق مبنایی. ترجمه دکتر اعرابی و بانسی. تهران: پژوهشهای فرهنگی.
- مهربانی، مهدی فدایی (1391). ایستادن در آن سوی مرگ؛ پاسخ کورین به هایدیگر. تهران: نی.
- طباطبایی؛ سید جواد (1398). *ملاحظات در باره دانشگاه*، نشر مینوی خرد
- مقام معظم رهبری، در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، 1382: 139-137 (Khamenei.ir
- مقام معظم رهبری (1390) *بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه*، Khamenei.ir
- محمد پور؛ احمد (1392). *تجربه نوسازی؛ نشر جامعه شناسان*
- قانع‌راد، (1383) ، *توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت؛ رفاه اجتماعی: زمستان 1383*، دوره 4، شماره 15
- کوهن توماس (1962) *ساختار انقلاب‌های علمی؛ سعید زیبا کلام، انتشارات سمت*،
- Chalmers, Alan (2008). **The Nature of Science, an Introduction to Philosophical Schools of Science**. Translated by Saeed Zibaklam. Tehran: SAMT.
- Mehrabani, Mehdi Fada'i (2012). **Standing Beyond Death: responses of henry Corbin to Heidegger**. Tehran: Ney Publishing.
- Melanie, Birks & Jin Mills (2014). **Basic Research**. Translated by: Dr. Arabi and Banishi. Tehran: Cultural Research Publishing.
- Tabatabaee, javad (2019).. **Considerations about the university** Tehran: minooye kherad Publishing.
- Khamenei.ir
- Mohammad pours, Ahmad (2012). **Reforming experience**; Tehran: jameeh shenasan Publishing.
- Ghanee rad , (2012). **Unbalanced development of supprime education; imigration of educated students and unemployment; refah ejtemaee** : N: 15.
- Thomas Samuel Kuhn (1962). **The Structure of Scientific Revolutions**; Saeed zibakalam ; samt Pub.

